



**دندان پزشکی رازی از کتاب تقاسیم
سیری در سه قرن دندان پزشکی ایران
تدوین، گردآوری و ترجمه
محمد ابراهیم ذاکر**

**انجمن دندان پزشکی ایران با همیاری مرکز تحقیقات اخلاق و حقوق پزشکی
دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، ۱۳۸۹ خ، برگه ۲۴۰ - ۲۴۹**

| | |
|----|--|
| ۲ | دندان پزشکی رازی از کتاب تقاسیم |
| ۲ | بیماری‌های بافت‌های نرم و سخت دهان |
| ۲ | درد دندان |
| ۳ | داغ‌گذاری و سوزاندن دندان |
| ۵ | دارویی برای پُرکردن دندان |
| ۵ | روشی برای کشیدن دندان |
| ۵ | داروی کشیدن دندان |
| ۵ | دارویی دیگر برای پُرکردن دندان |
| ۶ | داروی استوارکننده دندان‌های جنبان |
| ۶ | داروی درخشان‌کننده دندان‌ها |
| ۶ | بیماری خوره دهان |
| ۶ | داروی درمان خوره دهان |
| ۷ | بوی بد دهان |
| ۸ | گوارشن از میان‌برنده بوی بد دهان |
| ۸ | قُلاع |
| ۹ | زخم‌های دهانی به همراه سپیدی |
| ۹ | زخم‌های دهانی به همراه خوره |
| ۱۰ | بیماری‌های زبان |
| ۱۱ | شکاف و ترک زبان |
| ۱۱ | زخم زبان |
| ۱۱ | گرفتگی و ترنجیدگی زبان |

ذکر
دکتر محمد ابراهیم

| | |
|----|---|
| ۱۱ | سنگینی زبان |
| ۱۲ | کوتاهی و نارسایی فرنوم (رباط) زیر زبانی |
| ۱۲ | بیماری غده بزاقی زیرزبانی |
| ۱۲ | بزرگی زبان |
| ۱۳ | کتابنامه |
| ۱۳ | نمایه کتاب و مقاله |

ذکر
دکتر محمد ابراهیم

دندان‌پزشکی رازی از کتاب تقاسیم

۱

دکتر محمد ابراهیم ذاکر

بیماری‌های بافت‌های نرم و سخت دهان

درد دندان

تقاسیم العلل

کتاب التقسیم و التشجير

محمد فرزند زکریا رازی

(۲۵۱ - ۳۱۳ق)

تحقیق، تصحیح و مقدمه‌نگاری

دکتر صبحی محمود حمامی

انتشارات دانشگاه حلب

سازمان میراث علمی عربی

۱۴۱۲ ق - ۱۹۹۲ م

گروه‌بندی و تشخیص افتراقی بیماری‌ها

(تقاسیم العلل، التقسیم و التشجير)

پژوهش و برگردان

محمد ابراهیم ذاکر

انتشارات دانشگاه علوم پزشکی و خدمات درمانی ایران، ۱۴۰۰ خ

دندان‌پزشکی رازی از کتاب تقاسیم

سیری در سه قرن دندان‌پزشکی ایران، تدوین، گردآوری و ترجمه محمدابراهیم ذاکر، انجمن دندان‌پزشکی ایران با همیاری مرکز تحقیقات اخلاق و حقوق پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، ۱۳۸۹ خ، برگه ۲۴۰ - ۲۴۱

بیماری‌های بافت‌های نرم و سخت دهان

درد دندان

درد دندان‌ها یا به همراه آماس لثه و یا بدون آماس لثه است. دردی که از آماس گرم می‌باشد، نشانه آن سرخی و بادکردگی است، که با آب سرد آرام می‌گردد.

درمان: درمان آن با نیشترزدن رگ قیفال^۱ و یا حجامت کردن و بریدن رگ چهاروک (چهاررگ گوشه لب) و نگاه داشتن آب سرد در دهان و نیز به کاربردن کافور و گلاب می‌باشد. (اگر این درد یک روز باشد). چنانچه درد بیش از یک روز به دو؛ یا سه روز برسد، بهتر است روغن گل سرخ که در هر وقیه^۲ آن دو درم مصطکی است، در دهان نگاه دارد.

^۱ قیفال: *Cephalic vein* سیاهرگ بیرونی بازو است که به آن سیاهرگ وابسته به سر نیز می‌گویند. رگی است در بازو ویژه سر و چهره به آن سراروی نیز گویند (ناظم الأطباء) خون گرفتن از آن برای سر و چهره و گلو سودمند است از این رو به آن رگ سرور و گویند. (انندراج)

^۲ اوقیه: متن - وقیه، ده و پنج‌هفتم درم و آن یک و یک‌سوم استار در کتاب تذکره آمده است که نزد گروهی هفت مثقال و برخی هشت مثقال و نگارنده نه‌پایه گوید: در گذشته دور برابرچهل درم و در دوران نه خیلی دور یک‌ششم رطل و آن یک بخش از دوازده بخش می‌باشد که این در سرزمین‌های گوناگون متفاوت است. (بحر الجواهر، ۴۷)

به سنگ زر هفت و نیم مثقال و به سنگ سیم ده درم. (منتهی الارب)

اگر درد دندان بی‌آماس لته باشد، آن درد از سردی و آمیختگی‌های سنگین بوده و درمان آن گذاشتن و نگاه داشتن پادزهر چهارگانه^۱ بر روی ریشه آن دندان می‌باشد و یا گذاشتن سرشته‌شدهٔ فلفل با قطران و یا نگاه داشتن جوشاندهٔ سرکه با پیه حنظل در دهان است و یا یک کف دست برگ آس و یک کف^۲ پوست ساقهٔ درخت صنوبر و شاخهٔ سیر را برمی‌گیرند و با سرکه می‌پزند و همان گونه که گرم است در دهان نگاه می‌دارند. (۱۶۲)^۳

و یا پوست ریشهٔ کبر و یا پوست مار را با سرکه می‌جوشانند و به کار می‌برند.

چنانچه درد افزایش یابد دندان دردناک را با پودر تخم بنگ سیاه و میعه که آن‌ها را به اندازهٔ نخود (حمصه) گلوله کرده‌اند، بخور می‌دهند و در دهان روغن داغی که در آن ریشهٔ ختمی و بابونه پخته شده نگاه می‌دارند.

یک چیز داغی را چندین بار گاز بزند تا گوشت آن (لته) گرم شود و بهبود یابد روغن بادام نیمه گرم را در گوش بچکانند.

چنانچه آرام نشود در گوش سمتی که درد دندان دارد به اندازهٔ عدسی تریاک و به اندازهٔ دو دانه عدس گندبیدستر بچکانند. اگر درد آرام نگیرد، آن را بسوزانند.

داغ‌گذاری و سوزاندن دندان

روش کار: آهن باریکی را داغ کنند آن را در لوله‌ای از جنس روی می‌گذارند و در درون دندان دردناک فشار می‌دهند.

^۱ تریاق الأربعة: متن - پادزهر ساخته شده از چهار دارو: شیوهٔ ساخت پادزهری که با چهار دارو ساخته می‌شود و برای سختی جگر و سپرز، درد معده، درمان کچلی، به‌هم‌ریختگی خرد، سرگیجه، صرع، گزش گزندگان و زهرها سودمند است. روش ساخت: جنطیانا و دانهٔ غار و زرواند (زرواند) دراز و گرد و مر با اندازهٔ برابر برمی‌گیرند. همگی را می‌کوبند و با عسل می‌سرشند. اندازهٔ خوراکی آن یک درم تا یک مثقال با آب داغ است. دارویی دیگر: که برای گزش گزندگان و مارها سودمند است: جعده و جنطیانای رومی و بارزد و ریشهٔ کبر و روغن دانه بلسان برمی‌گیرند. (فردوس، ۴۵۱)

^۲ کف: مشت به اندازهٔ یک مشت. (دزی، ج ۲، ۴۷۵)

قبضه‌ای، آن چه در یک کف دست جا گیرد. (دهخدا)

وزنی برابر ده حبه است که در اصفهان و خوزستان برای سنجیدن به کار می‌رود. وزنی برابر شش درخمی. (مفاتیح، ۱۷۰)

در اهواز برابر ۱۳ صاع، و صاع برابر ۱۲ مختوم. کنایت از کمی اندازهٔ هر چیز (معین).

^۳ شمارگان پایان صفحه‌ای است که مطلب بالا را در بر دارد و این برداشت شده از تقاسیم العلل، رازی، پژوهش دکتر صبحی محمود حمامی، انتشارات دانشگاه حلب - سوریه، ۱۹۹۲م / ۱۴۱۲ق.

اگر دندان خوردگی (پوسیدگی) داشته سوراخ دندان را با فلفل که به همراه قطره‌ای سرشته شده، پُر می‌کنند؛ و یا این دارو را به کار می‌برند که بسیار کارساز می‌باشد.

روش ساخت داروی بالا: گندبیدستر و انگزه ۱ و میعه و تریاک (افیون) و فلفل و زنگبیل و تخم بنگ را می‌گیرند با قطران و عسل می‌سرشند و با داروی به دست‌آمده ریشه دندان را مالش می‌دهند و جای خورده شدگی دندان را پُر می‌کنند. بهترین درمان دندان خورده شده (پوسیده)، کشیدن آن می‌باشد. (۱۶۴)

داروی دیگر

گزاره آن: سه جزو فلفل، یک جزو افریبون^۲ را درهم می‌آمیزند و با آن دندان را پُر می‌کنند؛ و یا فلفل و انگزه (حلتیت) را به یک اندازه برمی‌گیرند و به کار می‌برند.

هم‌چنین درمان دندان‌های سیاه‌شده با داروهایی است که دندان‌های دارای پوسیدگی را درمان می‌کنند.

^۱ حلتیت (**Hilit**) : *ferula assafoetida* Linn; *Asafoetida* (قاموس)

شیرابه درخت انجدان که به دو گونه خوشبو و بدبو است گونه کاربردی آن خوشبو است که گرم در آغاز مرتبت چهارم و خشک در دوم است. برخی گرم و خشک در آغاز چهارم گفته‌اند. کارکردش مانند زهرها می‌باشد. برای جگر و شکمبه زیان دارد و گذاشتن آن در دندان، آن را متلاشی می‌کند. دهان شویه آن جداکننده زانو از گلو می‌باشد. چنانچه چندین روز با روغن زنبق در شیشه‌ای کنار گذاشته شود، سپس بر روی جایگاه ویژه مالیده شود، برای زن و مرد در هنگام همبستری به گونه شگفت‌انگیز خوشی‌زا و لذت‌بخش خواهد بود. (بحر الجواهر، ۱۲۹؛ فردوس، ع، ۳۹۵)

به من گفته‌اند: گونه‌ای از حلتیت است که اگر برگ و دانه آن را از بالای درخت بچینند و بخورند، بالاآوردن را برمی‌انگیزاند و چنانچه از پایین آن چیده و خورده شود، شکم را روان می‌کند. (فردوس، ع، ۴۱۹)

^۲ افریبون: گرمی بیش از اندازه دارد و خشک می‌باشد و برای بیماران استسقای نیکو است. ویژگی آن راندن بلغم لیز روده‌ها و پشت و سرین می‌باشد، ولی به جاگذارنده اندوه می‌باشد. روش ساخت: نرم کوبیده سپس آن را با کوز و افشره جوشانده سوسن می‌آمیزند و در روغن گل سرخ می‌خیسانند و با چاشنی‌ها می‌آمیزند. بهترین آن زرد روشن و تند بو و دارای تندی می‌باشد. اندازه خوراکی آن دو تا چهار قیراط است. (فردوس، ع،

دارویی برای پُر کردن دندان

گزارهٔ آن: آرد گندم را با شیرابهٔ یتوع می‌سرشند، سپس آن را به دندان می‌چسبانند و بر روی آن برگ عشقه (لبلاب) می‌گذارند.

روشی برای کشیدن دندان

داروی کشیدن دندان

گزارهٔ آن: پوست درخت توت، عاقرقرا^۱، پوست ریشهٔ کبر، پوست شبرم و زرنیخ زرد را برمی‌گیرند همه را در سه روز، روزی یک ساعت خوب می‌سایند و در ساعت‌های دیگر روز آن را در سرکه خیسانده، نگاه می‌دارند، سپس پیرامون دندان را می‌شکافند و روزی چندین بار این دارو را بر روی جای شکافته می‌گذارند تا دندان را سست کند، سپس آن دندان کشیده شود.

دارویی دیگر برای پُر کردن دندان

گزارهٔ آن: از چیزهایی که از خوردگی (پوسیدگی) دندان جلوگیری می‌کند، پر کردن آن با سُک و مصطکی می‌باشد.

^۱ عاقرقرا (Āqarqarhā): *Anacyclus pyrethrum D.C; Pellitory* (قاموس)

نامی نبطی است و گفته می‌شود در تازی از دوریشه عقر و تقریح آمده است. برخی پزشکان آن را عود قرح مغربی نامند (برای جداسازی آن از گونه دیگر عود که همانند آن است) گیاهی از گونه بابونه در شمال آفریقا و سرزمین مغرب (مراکش) می‌روید، ریشهٔ آن دوکی شکل به کلفتی انگشت و رنگ سنجابی خاکستری رویهٔ آن سرخ و درونی سپید و به زردی گرایش دارد، مزه‌ای تلخ با بوی خوش است و در درمان به کار می‌رود. به یونانی «فوریون»، به شیرازی «اکر» گویند. بیخ ترخون رومی است سرشت آن در مرتبت سوم گرم و خشک پودر آن با روغن زیتون بر تن مالیده شود از تراوش عرق می‌کاهد. سست‌کنندهٔ اندام‌ها و آمیزه، تنگی‌ها را بگشاید و بیرون‌کنندهٔ بلغم شکمبه، آرام‌کنندهٔ درد دندان از سردی، برای فلج و صرع خوب است. (اختیارات، ۲۹۲)

گیاهی است که در دمشق "عودالقرح" و در یونان "فوریون" و در شیراز "اکرا" گویند. تیز و سوزان و زبانگز است. به آن بیخ ترخون رومی نیز گویند. (صیدنه)

گرم و لطیف است، اگر آن را با روغن به تن بمالند، تن را داغ می‌کند و اگر با آن دهان‌شویه نمایند، بلغم را می‌کشد. (فردوس، ۴۰۱)

داروی استوارکننده دندان‌های جنبان

گزاره آن: گلنار، گل سرخ، سعد^۱ و سک از هر کدام یک جزو و زاگ نیم جزو را برمی‌گیرند و بر روی لثه می‌چسبانند. (۱۶۶)

داروی درخشان‌کننده دندان‌ها

گزاره آن: نمک اندرانی و کفک دریا (زبد البحر) یک جزو و حرف حزاز سبز و قلی را برمی‌گیرند و همه را می‌سایند. گرد به دست آمده را روی دندان‌ها می‌مالند.

لثه دندان‌های آسیاب را با جوییدن بقلة الحمقاء (خرفه)؛ یا بادام پوست‌کنده؛ یا موم؛ و یا نمک خرد شده، بپایند. دندان‌هایی که با چیزی سرد و یا هوای سرد دردناک شوند، چندین بار گاز زدن هر چیز گرم و یا زرده تخم‌مرغ آب‌پز شده داغ به گونه‌ای که چشم بیمار از داغی بسیار آن اشک‌ریزان شود، سودمند خواهد بود؛ و یا روغنی داغ را در دهان نگاه دارد.

بیماری خوره دهان

داروی درمان خوره دهان

گزاره دارویی سودمند برای بیماری خوره دهان: زرنیخ زرد و سرخ، نوره، مازو^۲ و زاگ با اندازه برابر از هر کدام برمی‌گیرند و با سرکه نارس (خل الخمر) می‌سایند و از آن‌ها قرص‌هایی فراهم می‌سازند و در هنگام نیاز یکی از قرص‌ها را می‌سایند و به کار می‌برند.

^۱ سعد (Soad): مشک زیر زمین ریشه گیاهی است، مانند تره با سرشتی گرم در مرتبت یکم و خشک در دوم است. جوییدن آن پس از نوشیدن شراب، بوی آن را می‌زداید و چنانچه با کبابه باشد، نیرومندانه‌تر کارگر می‌افتد. خون را می‌سوزاند و بادشکن و خوشبوکننده و بهبوددهنده زخم‌ها و سودمند در درمان عفونت بینی و آفت و برفک دهان و سست کردن و پاس‌داشت لثه و گرم‌کننده معده و جگر و بیرون‌کننده سنگ می‌باشد و سودمند

در درمان بواسیر و تب‌های دیرپا می‌باشد. (بحر الجواهر، ۲۰۰)

گرم و خشک و لطیف است. خردکننده سنگ است. (فردوس‌ع، ۳۹۸)

^۲ عفس (Afs): *Quercus infectria oliv; Gall nut* (قاموس)

اندازه خوراکی آن یک دانگ است. لثه را با آن مالش می‌دهند و ساعتی آن را رها کرده، پس از آن روغن گل‌سرخ را در دهان نگاه می‌دارند این کار انگیزه از میان رفتن هرگونه گندنای دهانی خواهد شد، سپس بر آن دارویی می‌گذارند که انگیزه رویش گوشت و سختی آن می‌گردد.

دارویی دیگر

گزاره آن: برگرفتن اندازه‌های برابر از صبر، کندر، انزروت و شیان است، سپس ساییدن آن‌ها و پس از آن پاشیدن داروی به دست آمده بر روی لثه، دارویی دیگر برای درمان آن می‌باشد. (۱۶۸)

بوی بد دهان

بوی بد دهان بیشتر از گرمای معده است.

نشانه آن: خوردن خوراک، بدبویی آن را کاهش می‌دهد.

درمان: درمان آن خوردن هر روزه خیسانده زردآلوی خشک است.

هم‌چنین خوردن زردآلوی تازه؛ و یا هلو؛ و یا خوردن تلخان شکر؛ و یا خیار؛ و یا خربزه هنگام ناشتا و پس از آن روی آوردن، بخوردن خوراکی‌های دیگر می‌باشد.

بوی بد دهان می‌تواند از بلغم تباه‌شده در معده باشد.

نشانه آن: خوردن خوراک بوی بد آن را از میان نمی‌برد.

درمان: درمان آن خوردن چندین باره ایاره و سپس بالا آوردن و پس از آن خوردن مربای زنگبیل و پیوسته خوردن اطریرفل کوچک است.

بوی بد دهان می‌تواند از گندنای دهان و مری و بافت‌های پیرامون آن‌ها باشد.

مازو، از آن رنگ سیاه به دست آورند، میوه درخت بلوط اسست. کاربرد ساییده آن با آب برای زخم روده و شکم‌روش دیرپا سودمند است. مازوی پرورده، گونه‌ای است که آن را می‌سوزانند و در سرکه می‌خوابانند. بهترین آن سبز و خام و با شیرابه سفت است. سرشت آن سرد در مرتبت دوم و یا یکم و خشک در مرتبت سوم است. اندازه خوراکی آن نیم درم می‌باشد. (بحر الجواهر ۲۶۲)

بیماری‌های بافت‌های نرم و سخت دهان

قُلاع

خوردن این قرص، دارویی سودمند برای درمان آن است.

گزاره قرص: سعد، پوست ترنج، سنبل الطیب^۱، قرنفل^۲، عود و سک هر کدام یک درم، مشک یک قیراط با آب سیب و شراب ریحانی می‌سرشند و از آن قرص‌هایی می‌سازند و آن را در دهان نگاه می‌دارند. (۱۷۰)

گوارشن از میان‌برنده بوی بد دهان

گزاره گوارشنی که برای بوی بد دهان از بلغم و آمیختگی‌های گندیده بسیار سودمند است.

روش ساخت گوارشن: شاخ و برگ آس تازه سه جزو، ابلج (بلبله)، سعد، سنبل، پوست ترنج، اذخر، مصطکی، سُک، مشک و قرنفل از هر کدام یک جزو به همراه کشمش بی‌هسته گردآورند و نرم بکوبند، سپس بسرشند و از آن به اندازه گردوی برگیرند. (۱۷۲)

قُلاع

برفک و آفت‌های دهانی^۳

^۱ سنبل الطیب (Sunbolal - tib) گیاهی است که از گذشته دور در ایران، داروی آرام‌کننده درد، جلوگیری از گرفتگی اندام‌ها و هیجان‌های عصبانی به کار می‌رفته دو گونه سنبل الطیب وحشی (خودرو) و سنبل الطیب بستانی (پرورشی) را می‌توان نام برد. (درمان‌شناسی عطایی) سنبل الطیب و سنبل العصافیر هر دو سنبل هندی هستند. (تحفه، ۱۵۶)

^۲ قرنفل (Qaranful): *Caryophyllus aromaticus Linn; Cloves* (قاموس)

«کرن یهول» به هندی گویند. زن‌های هندی آن در سوراخ گوش گذارند. سیاه‌تر از یاسمن است. گرم و خشک در مرتبت سوم شادی آور و نیروبخش دل و شکمبه و جگر و مغز و دیگر اندام‌های درونی، بادشکن و سودمند برای استسقاء لحمی و بالا آوردن و دل‌آشوبی و تیزکردن بینایی است. (بحرالجواهر، ۲۹۶)

میخک گرم و خشک است، سودمند برای معده و جگر. (فردوس‌ع، ۳۹۷)

^۳ قُلاع: (*Aphthous Trush apthaa*) سوزه‌هایی در بافت پوششی دهان و زبان است که گاهی برخی از آن‌ها گندیده شده و دمل چرکین می‌شود که نام ویژه آن خوره (آکله) و زخم‌های بدخیم می‌شود. (بحر الجواهر، ۳۰۲)



قُلاع

بیماری‌های بافت‌های نرم و سخت دهان

اگر این آسیب‌ها به همراه سرخی و گرما در دهان دیده شوند، بهترین کار درمانی، نیشترزدن رگ قیفال و حجامت رگ زیر چانه است. همچنین دادن داروی زیر نیز سودمند می‌باشد.

روش ساخت: تباشیر و گل سرخ و گشنیز (کزبره) خشک و سماق و عدس پوست‌کنده و تخم خرفه (بقلة الحمقاء) و سنای مکی، را گرد می‌آورند و می‌کوبند و به همراه اندکی کافور در دهان نگاه می‌دارند و پس از آن سرکه؛ و یا گلاب را در دهان می‌چرخاند.

زخم‌های دهانی به همراه سپیدی

۱- اگر این زخم‌ها به همراه سپیدی در دهان یافت شوند:

درمان: مالیدن عسل و زاگ و یا مالیدن شکر تبرزد بر آن سودمند خواهد بود، پس از آن شربت گلاب را در دهان بچرخانند و در دهان مامیران و هلیله زرد و عاقرقرا نگاه دارند. (۱۷۲)

زخم‌های دهانی به همراه خوره

۲- اگر زخم‌ها به همراه گندیدگی و بیماری خوره دهانی باشند:

درمان: داروی سودمند برای آن چنین است.

روش ساخت: زرنیخ، نوره، مازو، زاگ (شب) و زنگار را با اندازه برابر از هر کدام برمی‌گیرند و یک هفته در سرکه تند و تیز می‌خیسانند، سپس می‌سایند و قرص‌هایی از آن فراهم می‌کنند و در هنگام نیاز جایگاه زخم را با آن قرص ماساژ می‌دهند.

برفک و آفت دهانی، زخم‌های کوچک پدید آمده روی لایه مخاطی پوشاننده لب‌ها از درون و همه دهان و زیر و روی زبان است. نخست تاول کوچک برجسته بر لایه مخاطی است سپس دارای کیسه کوچک آبدانکی شده و طولی نمی‌کشد سرباز می‌کند و زیر آن زخمی به اندازه عدس سرخ رنگ و کف آن آبی می‌شود و آن را شکافی چسبیده پنهان می‌سازد و پیرامون آن را خطی سپید و گرد فرا می‌گیرد. دو یا چند روز می‌ماند و بهبود می‌یابد. قلاع: Erosion یعنی جراحت و ریش دهان (برکنده) در دهان را گویند. قلاع: Nouth Losiom/ Aphtha جوش‌ها و آفت‌های دهان (رنجبر ۵۳، ۸۹)

زخم‌هایی در بافت مخاطی دهان و زبان است که گسترش می‌یابند و پخش می‌شوند، که بیشتر کودکان در پی بدی شیر و بد گواردن آن در شکمبه بدن دچار می‌شوند. (قاموس الأطباء)

اندازه کاربردی آن یک دانگ است، پس از یک ساعت، با سرکه نارس (خل الخمر)^۱ دهان شویه می‌کند، سپس روغن گل سرخ روی آن می‌مالند. (۱۷۴)

بیماری‌های زبان

آسیب‌های زبان دربرگیرنده:

- یا از آماس؛
- و یا ترک و شکاف برداشتن؛
- و یا زبری؛
- و یا زخم؛
- و یا گرفتگی و ترنجیدگی؛
- و یا سنگینی؛
- و یا از غده بزاقی زیر آن^۲؛
- و یا کوتاهی فرنوم زیرزبانی؛

^۱ خل الخمر (Khal khamr): Wine vingegar این نام در کتاب‌های قراپادین بسیار آمده است. سرکه معمولی نارس می‌باشد. سرکه همان گونه که مشهود است با تخمیر میوه‌های قنددار (قندگلوکز) همچون انگور، خرما، انجیر و جز آن به دست می‌آید. آن را در ظرفی شیشه‌ای؛ یا سفالی (بهتر است سفالی باشد) مانند برنیه (خم، سبو) میوه‌ها را در آب فرو می‌برند و دهانه ظرف را به خوبی می‌بندند و در یک دمای میانه چهل روز نگاه می‌دارند. (مدتی است که بیشتر مردم برای سرکه شدن، آن را درست می‌دانند) سپس میوه‌ها تخمیر و تجزیه و دگرگون می‌شوند و آب آن‌ها ترش شده و سرکه می‌باشد. ولی اگر کمتر از یک ماه بماند، تخمیر نارسایی خواهد داشت و این آب دارای اندازه‌ای از الکل خواهد بود، مزه آن شیرین کمی به تلخی و امروزه آن را گونه‌ای از شراب به شمار می‌آورند. (منصوری، برگردان ذاکر، ۶۷۵)

^۲ ضفدع تحت اللسان (below the tongue) Ranula: غده قورباغه‌ای، یکی از سه غده بزاقی دهان می‌باشد که بر دو سوی فرنوم زبانی قرار گرفته‌اند و چون به شکل قورباغه است، به این نام قورباغه خوانده می‌شود. از آنجا که غده بزاقی زیر زبان مانند قورباغه می‌باشد، اصطلاح ضفدع به آن داده‌اند.

- و یا از بزرگی زبان پدید می‌آیند.

آسیب‌هایی که به همراه سرخی و التهاب‌اند. خون‌گیری و بیشتر زدن رگ قیفال سپس حجامت رگ زیر چانه و چرخاندن گلاب و سرکه در دهان سودمند خواهد بود، پس از آن همه داروهای یاد شده برای برفک و آفت دهان و گرفتگی‌های گلو (خوانیق) که همراه دمای بالاست و ما آن را در آینده یاد خواهیم کرد نیز سودمند می‌باشد.

آسیب‌هایی که با دمای بالا نمی‌باشند ولی ریزش بسیار آب‌دهان به همراه دارند، این گونه آسیب‌ها را همانند آن چه در بخش برفک و آفت دهانی که به همراه دمای بالا نباشد، و آنچه را که در بخش گرفتگی‌های گلو (خوانیق) بلغمی خواهیم گفت، درمان می‌توان کرد.

شکاف و ترک زبان

به کاربردن تخم اسفرزه با شکر و نوشیدن آب جو و خوردن کله پاچه و ماساژ آن با شیرابه‌ای که از خیار قاچ کرده به دست می‌آورند و نگاه داشتن آن در دهان، درمان‌های سودمند آن می‌باشند.

زخم زبان

درمان زخم‌ها به مانند درمان برفک و آفت دهانی است.

گرفتگی و ترنجیدگی زبان

گرفتگی و ترنجیدگی زبان (تشنج) بیشتر در پایه و بن زبان پدید می‌آید و نشانه آن کوتاه و کلفت شدن زبان می‌باشد. درمان: چرخاندن روغن شوید و بابونه در دهان و ریختن آب گرم روی پشت زبان و ماساژ آن و مالیدن و آغشته کردن سر با روغن فراوان می‌باشد. (۱۷۶)

سنگینی زبان

سنگینی زبان به دنبال بیماری سرسام نمایان می‌شود. در حالت‌های دیرپا و کهنه‌شده بیماری، امیدی به بهبودی نخواهد بود.

در مواردی که بیماری کهنه نشده است، مالیدن نمک اندرانی و نوشادر و هر دارویی که انگیزه بیشتر روان‌شدن آب‌دهان بگردد، سودمند خواهد بود.

اگر در آغاز بیماری حسگرهای پنج‌گانه و جنبش بیمار از کار افتاده؛ و یا سست باشند، در این جا شیوه درمان بیماری فلج از سردی سودمند خواهد بود.

کوتاهی و نارسایی فرنوم (رباط) زیر زبانی

بهتر است آن را ببرند، نشانه آن، فرنوم؛ یا رباط هم‌تراز به کناره زبان چسبیده است.

بیماری غده بزاقی زیرزبانی

اگر بیماری در غده بزاقی زیرزبانی پدیدآمده باشد. آن را شکاف می‌دهند و اگر بزرگ باشد آن را بیرون می‌آورند و اگر کوچک باشد آن را با داروی گرم مالش می‌دهند.

بزرگی زبان

گاهی ممکن است بزرگی زبان به اندازه‌ای باشد که در دهان جا نگیرد که انگیزه این ناهنجاری، گردآمدن نموری‌های فراوان در آن است.

نشانه آن بیرون‌افتادگی زبان از دهان و بندآمدن آب‌دهان می‌باشد.

درمان: بهتر است آن را با پیاز؛ یا با ترشک و ترنج و جز آن مالش دهند تا آب‌دهان سرازیر شود و زبان کوچک و جمع گردد. چنانچه بسنده نشود، زبان را با نشادر مالش دهند. (۱۷۸)

کتابنامه

نمایه کتاب و مقاله

- أبنيه عن الحقايق الأدوية ياروضه الأنس و منفعة النفس، موفق الدين ابومنصور على هروى (ز ۳۵۰ ق) پژوهش احمد بهمنيار و حسين محبوبى اردكاني، چ تهران، ۱۳۴۶ خ.
- اختيارات بديعى، زين الدين على انصارى شيرازى فرزند حسين (۷۲۹ - ۸۰۶ ق) به كوشش دكتر محمدتقى مير، چ تهران، ۱۳۷۱ خ.
- أغراض الطبية و المباحث العلايية، زين الدين ابوالفضائل سيد اسماعيل فرزند حسين جرجانى (۴۳۴ - ۵۳۵ ق / ۱۰۴۲ - ۱۱۴۰ م)، پژوهش حسن تاجبخش، دانشگاه تهران، ۱۳۸۴ خ.
- اكسير اعظم، حكيم محمداعظم ناظم جهان، به كوشش محمد اصفهانى، دانشگاه علوم پزشكى ايران. مؤسسه مطالعات تاريخ پزشكى. طب اسلامى و مكمل - تهران ايران، ۱۳۸۷ خ.
- بحر الجواهر في حلّ لغات السائر، محمد هروى فرزند يوسف (ز: ۹۳۸ ق)، چاپ سنگى، تهران، ۱۲۸۸ ق؛ مؤسسه احياء طب طبيعى، مؤسسه مطالعات تاريخ پزشكى طب اسلامى و مكمل، قم، ۱۳۸۷ خ.
- تاريخ نگارش هاى عربى، ج ۳، سزگين فواد، ترجمه، تدوين، آماده سازى مؤسسه فهرستگان، به اهتمام خانه كتاب، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامى؛ سازمان چاپ و انتشارات، ۱۳۸۰ خ.
- تحفه حكيم مؤمن؛ يا تحفة المؤمنين، محمدمؤمن طبيب فرزند محمدزمان حسيني (د ۹۲۳ ق)، پيشگفتار دكتر نجم آبادى، چ. تهران، ۱۳۳۸ خ؛ (تحفه) + چاپ مركز تحقيقات طب سنتى و مفردات پزشكى - پژوهش رحيمى و اردكاني و فرجامند، ۱۳۸۶ خ (تحفه ن).
- تذكرة أولى الألباب و الجامع للعجب العجاب، داود فرزند عمر انطاكى، مكتبة الثقافية، بيروت؛ چاپخانه اظهريه، ۱۳۲۴ ق.
- تطبيق فرهنگ اصطلاحات شايع پزشكى در طب سنتى با فرهنگ اصطلاحات پزشكى در طب نوين (پزشكى جديد) دكتر نبى الله رنجبر، استاد راهنما محمد حسن خسروى، بندر عباس - ۱۳۷۸ خ (← رنجبر).
- تقاسيم العلل، رازى، پژوهش دكتر صبحى محمود حمامى، انتشارات دانشگاه حلب - سوريه، ۱۹۹۲ م / ۱۴۱۲ ق.

تقاسیم العلل؛ یا کتاب التقسیم و التشجیر، ابوبکر محمد فرزند زکریای رازی (۳۱۳ - ۲۵۱ ق)، پژوهش، دکتر صبحی محمود حمای، انتشارات دانشگاه حلب، سازمان میراث علمی عربی، ۱۴۱۲ ق - ۱۹۹۲ م؛ گروه بندی و تشخیص افتراقی بیماری‌ها (تقاسیم العلل، التقسیم و التشجیر)، ابوبکر محمد فرزند زکریای رازی (۲۵۱-۳۱۳ ق / ۸۶۵ - ۹۲۵ م)، پژوهش و برگردان محمدابراهیم ذاکر، زیر نظر حسن اتوکش، انتشارات دانشگاه علوم پزشکی و خدمات درمانی ایران، ۱۴۰۰ خ.

درمان شناسی، احمد عطایی (۱۲۹۸ - ۱۳۹۲ ح)، انتشارات عطایی، تهران، ۱۳۲۸ خ.

دندان پزشکی از دیدگاه ربن طبری، برداشت از فردوس الحکمة، پژوهش و برگردان محمدابراهیم ذاکر و علی نقی منزوی، انتشارات مرکز تحقیقات طب سنتی و مفردات پزشکی، دانشکده طب سنتی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، ۱۳۹۱ خ. دندان پزشکی جرجانی از کتاب أغراض، سیری در سه قرن دندان پزشکی ایران، تدوین، گردآوری و ترجمه محمدابراهیم ذاکر، انجمن دندان پزشکی ایران با همیاری مرکز تحقیقات اخلاق و حقوق پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، ۱۳۸۹ خ، برگه ۶۱۹ - ۶۴۷.

دندان پزشکی رازی از کتاب المنصوری، سیری در سه قرن دندان پزشکی ایران، تدوین، گردآوری و ترجمه محمدابراهیم ذاکر، انجمن دندان پزشکی ایران با همیاری مرکز تحقیقات اخلاق و حقوق پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، ۱۳۸۹ خ، برگه ۲۴۰ - ۲۴۹.

دندان پزشکی رازی از کتاب تقاسیم، سیری در سه قرن دندان پزشکی ایران، تدوین، گردآوری و ترجمه محمدابراهیم ذاکر، انجمن دندان پزشکی ایران با همیاری مرکز تحقیقات اخلاق و حقوق پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، ۱۳۸۹ خ، برگه ۲۴۰ - ۲۴۱.

ذخیره خوارزمشاهی اسماعیل جرجانی فرزند حسن (د ۵۳۱ ق) فکسیمیل به کوشش دانش پژوه، افشار، چ. تهران، ۱۳۴۴ خ. ← (ذخیره ف)، و چاپ پنج کتاب به کوشش دکتر محمد رضا محرری، فرهنگستان علوم پزشکی ایران، تهران، ۱۳۸۰ خ ← (ذخیره)

سیری در سه قرن دندان پزشکی ایران، تدوین، گردآوری و ترجمه محمدابراهیم ذاکر، انجمن دندان پزشکی ایران با همیاری مرکز تحقیقات اخلاق و حقوق پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، ۱۳۸۹ خ.

صیدنة، ابوریحان بیرونی، پژوهش حکیم محمد سعید، رانا اجسان الهی، کراتشی، موسسه ملی همدرد، هند، ۱۹۷۳م؛ الصیدنة في الطب، ابوریحان بیرونی (۳۶۲ - ۴۴۰ق)، محمد فرزند احمد، پژوهش عباس زریاب خوبی (۱۲۹۸ - ۱۳۷۳خ)، مرکز نشر دانشگاهی، تهران، ۱۳۷۰خ؛ الصیدنة في الطب، داروشناسی پزشکی، بیرونی، برگردان باقر مظفرزاده، فرهنگستان زبان و ادب فارسی، نشر آثار، تهران، ۱۳۸۳خ؛ صیدنه، برگردان کاسانی، پژوهش استاد ایرج افشار، مرکز تحقیقات اخلاق و حقوق پزشکی وابسته به دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۷خ؛ الصیدنة في الطب، داروشناسی پزشکی، برگردان باقر مظفرزاده، فرهنگستان زبان و ادب فارسی، تهران: نشر آثار، ۱۳۸۳خ.

عیون الأبناء في الطبقات الأطباء، ابن ابی اصیبعه موفق الدین احمد خزرجی (۶۰۰ - ۶۶۸ق / ۱۲۰۴ - ۱۲۷۰م)، پژوهش امروالقیس فرزند طحان و احمد میهی فرزند حسن عبدالصمد، چاپخانه وهبی، مصطفی افندی وهبی، ۱۳۰۰ق، چاپ نوین آن، دارالثقافه، بیروت، لبنان، ۱۹۸۷ م / ۱۴۰۸ق؛ و به کوشش نزار رضا، بیروت، ۱۹۶۵م، برگردان محمدابراهیم ذاکر، انجمن گیاه درمانی، تهران، ایران، ۱۳۹۳خ.

فردوس الحکمة في الطب (نگارش: ۲۳۶ق)، ابوالحسن علی فرزند سهل ربن طبری (د: ۲۶۰ق)، پژوهش محمد زبیر صدیقی، چ برلین، ۱۹۲۸م؛ دیگر: معهد تاریخ العلوم العربية الاسلامیة، دانشگاه فرانکفورت ۱۹۹۶م / ۱۴۱۶ق؛ دیگر: پژوهش عبدالکریم سامی جندی، منشورات محمدعلی بیضون، دارالکتب العلمیه، ۲۰۰۲م / ۱۴۲۳ق؛ دیگر: برگردان محمدابراهیم ذاکر و علی نقی منزوی، مرکز تحقیقات طب سنتی و مفردات پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، ۱۳۹۱خ.

فرنودسار یا فرهنگ نفیسی علی اکبر نفیسی ناظم الاطباء، چ تهران ۱۳۱۷خ. ← ناظم الاطباء

فرهنگ آندراج، محمد پادشاه «شاد» به کوشش محمد دبیرسیاقی، چ تهران، ۱۳۳۵خ. ← آندراج.

فرهنگ پزشکی - دارویی شلیمر، یوهان شلیمر فلمنگی، مؤسسه مطالعات تاریخ پزشکی، طب اسلامی، چ تهران، ۱۳۸۳خ. فرهنگ پزشکی انگلیسی - فارسی، ویلیام آکساندر نیومن دورلاند، برگردان دکتر محمد هوشمند ویژه، انتشارات کلمه، تهران، ۱۳۶۶خ. ← هوشمند

فرهنگ معین، محمد معین، چ تهران، ۱۳۶۲خ، چاپ پنجم. ← معین

فرهنگ و مصطلحات طب سنتی ایران، جلد سوم، محمدتقی میر، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی و درمانی ایران، تهران، ۱۳۸۰ خ.

فرهنگ واژه‌های فارسی سره برای واژه‌های عربی در فارسی معاصر، فریده رازی، نشر مرکز، ۱۳۶۶ خ. ← فریده قاموس القانون في الطب (معجم المصطلحات الطبية و الأدوية المفردة المستعملة في القانون في الطب لابن سينا)، فرهنگ لغات قانون ابن سينا، عربی - انگلیسی، حکیم عبدالحمید، حکیم کبیرالدین، حکیم عبدالوهاب ظهوری، محمد عبدالعزیز، حکیم فضل الرحمان، مؤسسه مطالعات تاریخ پزشکی، طب اسلامی و مکمل دانشگاه علوم پزشکی ایران - تهران، بازنگری ۱۹۹۸ م. ← قاموس

قاموس حثي الطّبي انكليزي - عربي، حتى يوسف، مكتبة لبنان، بيروت، چاپ چهارم، ۱۹۸۲ م. ← حتى قاموس الأطباء و ناموس الألباء، مدين فرزند عبدالرحمان قوصوني، انتشارات جمهورية مصر العربية، مجمع اللغة العربية، دمشق، سوریه، ۱۴۲۱ ق | ۲۰۰۰ م.

قانون في الطب لابن سينا، پژوهش ابراهيم شمس الدين، مؤسسه اعلمی، بيروت، لبنان، ۱۴۲۵ ق / ۲۰۰۵ م. قانون في الطب، حسين فرزند عبدالله ابن سينا (۳۷۰ - ۴۲۸ ق)، داراحياء التراث العربي، بيروت - لبنان؛ برگردان عبدالرحمان شرفکندي (هه ژار)، انتشارات سروش، چاپ هشتم، تهران، ۱۳۸۵ خ؛ قانون في الطب، ابن سينا، دارصادر، بيروت، د. ت؛ قانون في الطب لابن سينا، پژوهش ابراهيم شمس الدين، مؤسسه اعلمی، بيروت، لبنان، ۱۴۲۵ ق / ۲۰۰۵ م.

قرابادين الكبير، محمد حسين عقيلي علوي خراساني، چاپ محمودی تهران، ۱۳۷۵ ق. ← قرابادين گروه‌بندی و تشخیص افتراقی بیماری‌ها (تقاسیم العلل، التقسیم و التشجیر)، ابوبکر محمد فرزند زکریای رازی (۲۵۱ - ۳۱۳ ق / ۸۶۵ - ۹۲۵ م)، پژوهش و برگردان محمد ابراهیم ذاکر، زیر نظر حسن اتوکش، انتشارات دانشگاه علوم پزشکی و خدمات درمانی ایران، ۱۴۰۰ خ.

لغت‌نامه، دهخدا علی اکبر دهخدا (د ۱۳۳۴ خ)، چ تهران (۱۳۲۵ - ۱۳۴۶ خ) و CD.

مطرح الأنظار في تراجم أطباء الأعصار و فلاسفة الأمصار، فیلسوف الدوله میرزا عبدالحسین فرزند میرزا محمدحسن مجتهد فرزند میرزا محمدکریم زنوزی تبریزی (۱۲۴۳ - ۱۳۲۰ خ)، تبریز، ۱۳۳۴ خ.

- معجم الألفاظ الزراعية (فرنسي-عربي)، به کوشش امیر مصطفی شهابی، چاپ دوم، چاپخانه مصر، ۱۹۵۷م.
- معجم الشهابي في مصطلحات العلوم الزراعية (انكليزي-عربي)، امير مصطفى شهابي، كتابخانه لبنان، چاپ دوم، ۱۹۸۲م، ۴۹۲ برگه.
- معجم مرعشی الطبی الكبير (عربی-انگلیزی)، مرعشی محمد اسامه، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، ۲۰۰۵م. ← مرعشی مفاتیح العلوم، خوارزمی ابو عبدالله محمد فرزند احمد فرزند یوسف کاتب خوارزمی (ز: ۳۷۲ق)، چ. قاهره ۱۳۴۲ق، برگردان حسین خدیو جم، مرکز انتشارات علمی فرهنگی، چاپ دوم ۱۳۶۲خ.
- منتهی الارب في لغات العرب، عبدالرحیم فرزند عبدالکریم صفی پوری هندی، هندوستان، ۱۲۵۲ق.
- المنصوري في الطب، محمد زکریای رازی (۲۵۱-۳۱۳ق / ۸۶۵-۹۲۵م)، تصحیح حازم بکری صدیقی، معهد المخطوطات العربیه، کویت، ۱۴۰۸ق / ۱۹۸۷م، پژوهش و برگردان محمد ابراهیم ذاکر، موزه تاریخ پزشکی ایران وابسته به دانشگاه علوم پزشکی و خدمات درمانی تهران، ۱۳۸۷خ.
- هدایة المتعلمين في الطب، نوشته ابوبکر ربیع فرزند احمد اخوینی بخاری، به کوشش جلال متینی، دانشگاه فردوسی، مشهد، ۱۳۴۴خ.

دندان‌پزشکی رازی از کتاب تقاسیم

ذکر
دکتر محمد ابراهیم